مروری بر تحولات مهم انگلیس در سال ۸۶

سال بحرانی جزیره

سال هزار و سیصد و هشتاد و شش خورشیدی، برای دولت انگلیس با دردسر آغاز شد و با سر درد به پایان رسید. تحولاتی که در این سال رخ داد، به اندازه ای گوناگون و پرشمار بود که گویی مشکلات و حوادث چند سال را در یک سال فشرده و ارائه کرده باشند. در این مطلب به مهمترین رویدادهای انگلیس در سال گذشته می پردازیم تا بتوانیم درس های لازم را فرا گیریم و توشه ای برای مواجهه با حوادث آتی فراهم آوریم. به منظور تسهیل این گردش مخالف با عقربه های ساعت، دست به دسته بندی زدیم تا تحفه درویشانه را برگ سبزی معطر نشان دهیم و خود را با بهار طبیعت هم آوا سازیم.

اجتماعی

بریتانیا به علل گوناگون، نیاز به مهاجران، مهارت ها و پول آنان دارد و طبیعی است مهاجرت از اثراتی بر هویت جامعه مهاجرپذیر و نیز هویت مهاجران همراه است. پارسال نیز بحث هویت انگلیسی و نگرانی از تضعیف آن، یکی از موضوعات مهم جامعه انگلیس به شمار می رفت که هر کس از ظن خود، یا این بحث شد و از درون آن، اسرار جهانی شدن، اثرات آن بر هویت بریتانیایی و شاید هم انگلیسی را نجست و در نتیجه، این بحث کماکان بدون نتیجه باقی ماند. اصولاً بحث هویت بریتانیایی، در انگلیس بدون رسیدن به نتیجه ای جامع و قابل قبول، سال هاست ادامه دارد و متغیرهایی همچون جهانی شدن، پیوستن به اتحادیه اروپا و یا آمریکا، مهاجرپذیر بودن و یا مهاجرفرست بودن، توسط سیاستمداران و رسانه های وابسته به دولت، احزاب مخالف، نیروها و سازمان های نژادپرست و هواداران آزادی های مدنی و حقوق بشر، بارها و طبق سنت سنوات ماضیه، مورد استفاده وقوفان و مخالفان این بحث ها قرار گرفتند بدون این که به راه حلی اساسی و مورد قبول همگان برسند. مشکل این جاست که به نوشته روزنامه فایننشیال تایمز در بهمن ماه، هویت انگلیسی چیزی مثل وضعیت آب و هواست که همه بدون اطلاع دقیق از مختصاتش سخن می گویند اما دقیقاً نمی دانند چیست. آنان فقط می دانند از چه چیزی بدشان می آید. همین ابهام و بعضاً ایهام موجب شده است رسانه ها و احزاب راست افراطی و نژادپرست، بر اساس عادت ماهانه، به از دست رفتن هویت بریتانیایی و ضرورت توجه به مؤلفه های هویت از قبیل زبان، فرهنگ، آداب و سنن بریتانیایی بپردازند و چون ضرورت ممنوعیت ورود مهاجران به انگلیس، هم برای حمله به دولت، مناسب است و هم بحث توجه به سیاست های ضدمهاجرت را تقویت می سازد، به یکی از مهمترین مسائل اجتماعی انگلیس در سال گذشته مبدل شود. در این میان، بحث مهاجرت مسلمانان و گسترش اسلام هراسی، مطابق معمول سالیان گذشته، کاملاً رونق داشت و حملات به اسلام و مسلمانان، ضمن پیشگیری از ادغام مسلمانان در جامعه بریتانیا، گسست از جامعه را دامن زد. به نمونه هایی از نشانه های گسست در جامعه انگلیس و هراس از تضعیف هویت بریتانیایی در ادامه توجه فرمایید:

به نوشته دیلی میل اکنون یک دهم جمعیت انگلیس، زاده خارجند و ضروری است برای حفظ آداب و رسوم و هویت انگلیسی، باید چاره ای اندیشیده شود. دیلی تلگراف در آذر ماه نوشت: آداب و رسوم کریسمس در انگلیس در حال نابودی است. دولت موظف است به فکر هویت بریتانیایی باشد. سان نوشت دولت انگلیس ورود مهاجران را به این کشور، سخت تر می کند و از این پس مهاجران باید در آزمون های بیشتری شرکت کنند و پیش از دریافت روادید دائم، به کارهای خیریه بپردازند. به نوشته دیلی میل، محمد دومین نام محبوب در انگلیس پس از جک است و بزودی به اولین نام محبوب برای پسران بریتانیایی مبدل خواهد شد. دیلی تلگراف در بهمن ماه به نقل از مؤسسه سلطنتی خدمات متحده که در لندن به مطالعات دفاعی می پردازد نوشت چندفرهنگی، خطر حملات تروریستی را در انگلیس افزایش داده است. گاردین در آبان ماه نوشت به سفارش کن لوینگستون، شهردار لندن مطالعه ای درباره عملکرد رسانه های انگلیسی صورت گرفته که نشان می دهد این رسانه ها رفتاری ناعادلانه در قبال مسلمانان دارند.

اینبندینت در آبان ماه به نقل از جک درومی، یکی از مشاوران حزب کارگر انگلیس نوشت ضدیت احزاب کارگر و محافظه کار این کشور با مهاجران، هیستریک است.

علاوه بر مسئله مهاجرت، نگرانی از تضعیف هویت بریتانیایی در صورت پیوستن کامل به اتحادیه اروپا و پیروی از تصمیمات این اتحادیه نیز پارسال تشدید شد زیرا گوردون براون، نخست وزیر فلی به همراه بیست و شش مقام دیگر اتحادیه اروپا، اصلاحات قانون اساسی اروپا را امضا کرد و این موضوع، قطعاً به کمرنگ تر شدن هویت بریتانیایی و تقویت هویت اروپایی در درون اتحادیه منجر خواهد شد. اگرچه به نوشته تایمز، مخالفت انگلیس و لهستان با اصلاحات قانون اساسی اروپا، خشم دیگر اعضای این اتحادیه را به همراه داشت، انگلیس در پایان ناچار شد به مصوبات اتحادیه تن دهد اما هنوز درباره موضوعاتی از قبیل پول و روادید واحد اروپایی و استفاده از معیارهای اندازه گیری و توزین از قبیل پارد، پوند، مایل و فوت، کماکان مقاومت می کند.

واکنش دولت انگلیس درباره حفظ هویت انگلیسی، متأثر از شرایط محیطی داخلی و خارجی و فاقد اساسی استوار بود و گویی نظام بریتانیا، هنوز تکلیف خود را در قبال چند فرهنگی بودن جامعه و اقتضائات آن، نمی داند یا نمی خواهد بپذیرد. مثلاً، دولت از یک سو درباره قواید مهاجران برای جامعه بریتانیا داد سخن داد و همزمان، شرایط را برای ورود مهاجران، به ویژه از جوامع مسلمان و غیر اروپایی سخت تر کرد. پارسال درباره ضرورت حضور مهاجران و قواید مهاجرت برای بریتانیا، نظرهایی توسط مقامات حزب حاکم اظهار شد که بیشتر انعطافی و برای ساکت کردن احزاب مخالف عنوان شد. در آذر ماه گوردون براون پذیرفت موزه ای درباره بریتانیا تأسیس شود تا هویت بریتانیایی را تقویت سازد و همزمان رسانه های دولتی درباره ماهرای چند فرهنگی و افتخاراتی که از این طریق نصیب بریتانیا شده است، تبلیغ کردند.

روزنامه تایمز نوشت دولت در نظر دارد آموزش های اسلامی را در بریتانیا کنترل کند و به نوشته گاردین، یکی از برنامه های دولت انگلیس، حمایت از مسلمانان به اصطلاح میانه رو در برابر مسلمانان تندروست. این گونه واکنش های انفعالی و از هم گسیخته نشان می دهد هنوز نظر جامع و منسجمی درباره مهاجران و اثرات آنان بر جامعه بریتانیا وجود ندارد.

امنیتی

ناامنی در انگلیس، به ویژگی مزمن جامعه و بیماری بومی بریتانیایی ها مبدل شده و در عناصر گوناگونی متبلور شده است. روزنامه تایمز در آبان ماه، اهم برنامه های امنیتی نخست وزیر انگلیس را منتشر کرد و نوشت براون اکنون در کسوت یک فرمانده نظامی ظاهر شده است. دولت براون، به منظور بالا بردن امنیت، از ممماران خواست برای افزایش امنیت بناها چاره اندیشی کنند و این دولت، برنامه ای به منظور آموزش مقامات شهرداری ها و محلی توسط یکصد و شصت افسر ارتش طراحی کرد، نصب نرده های حفاظتی در برابر اماکن عمومی و ساختمان های مهم، افزایش نصب دوربین های حفاظتی، اعزام کاروان های مسلح به صد مکان مهم کشور، افزایش و تشدید بازرسی های امنیتی در محل های حساس و مهم همچون فرودگاه ها، بنادر و بزرگراه ها و تأسیس سازمانی جدید برای دادن روادید بریتانیا و کنترل مرز و گمرک از دیگر برنامه های امنیتی دولت جدید کارگری بود تا شاید اعتماد مردم به اقتدار دولت و توانایی تأمین امنیت جلب شود. همزمان، رسانه های انگلیسی هر روز اخبار و گزارش هایی درباره خطر حملات تروریستی به بریتانیا، کشف توطئه های امنیتی، گسترش ناامنی در جامعه و ناتوانی دولت در حفظ اطلاعات حساس منتشر کردند که نشان می داد جامعه ملتهب و نگران انگلیس را با نصیحت و توصیه های دولتی نمی توان به وجود امنیت - به عبارت بهتر، نبود ناامنی - امیدوار ساخت.

به نمونه هایی از این موارد توجه فرمایید:

روزنامه دیلی تلگراف نوشت تاکنون هزار رایانه متعلق به دولت انگلیس، حاوی اطلاعات حساس دولتی و مشخصات خصوصی میلیون ها انگلیسی گم شده است. تایمز دولت طرحی در دست دارد که براساس آن، به منظور یافتن چاقو و دیگر سلاح های کشنده، به معلمان اجازه داده می شود دانش آموزان را بازرسی کنند و مقامات مدارس نیز موظف خواهند شد با نصب دستگاه های ویژه، همچون فردوگاه ها، کیف و لباس های دانش آموزان را برای ردیابی سلاح، بررسی کنند. به نوشته دیلی میل، کشت مواد مخدر در منازل انگلیس رو به افزایش است و ایندیپندنت نیز نوشت صدور کارت شناسایی در بریتانیا اجباری خواهد شد و در اولین مرحله، برای خارجیان و کارکنان مراکز حساس انگلیس، داشتن کارت شناسایی اجباری خواهد شد.

گوردون براون پارسال پیشنهاد کرد دوران بازداشت متهمان به اقدامات تروریستی را تا چهل و دو روز افزایش دهد که از بیشترین زمان ها، برای بازداشت بدون تفهیم اتهام و محاکمه در بین کشورهای جهان محسوب می شود. در همین حال، اتحادیه استادان دانشگاه های انگلیس، با طرح دولت برای جاسوسی علیه مسلمانان به اصطلاح تندرو مخالفت کرد و اتحادیه معلمان نیز به مخالفت با تصمیم دولت برای نوشتن دوباره تاریخ جنگ علیه و افزودن به تمایلات جنگ طلبانه دانش آموزان، برخاست.

احساس ناامنی در انگلیس- شاید هم خود ناامنی در انگلیس- موضوعی است که دولت کارگری انگلیس، پس از حوادث یازده سپتامبر، ابتدا برای همراهی با آمریکا به منظور حمله به افغانستان و عراق و نیز محدود کردن آزادی های مدنی، به آن دامن زد تا بتواند آرای لازم را جمع کند و افکار عمومی را با خود همراه سازد. تبلیغات غلوآمیز دولت انگلیس درباره قدرت و نفوذ تروریست ها- که در ابتدا به عنوان ابزاری تبلیغاتی، برای اهداف سیاسی به نظر می رسید- به تدریج مثال هایی عینی یافت و نمونه هایی از اقدامات تروریستی، در انگلیس هم طراحی و ملاحظه شد و ماجرا جدی شد. پیامد ادغام تبلیغات دولت درباره هراساندن مردم از تروریسم و نبود امنیت، با «احساس» ناامنی مردم انگلیس، رفتاری ترس- مدار را ایجاد کرد که در آن، ترس از نبود امنیت، چه به صورت ترس از نبود امنیت اجتماعی، یا ترس از نبود امنیت انرژی، یا ترس از آینده ای مملو از ترور و ناامنی، کاملاً معقول و عادی جلوه می کند و دیگر، بیماری به حساب نمی آید. مصادیق فراوانی برای این احساس ناامنی می توان برشمرد. ترس از خارجیان، ترس از مهاجران، ترس از نبود شغل، ترس از کمبود خدمات درمانی، ترس از عقب افتادن از رقبایی همچون فرانسه، ترس از قطع گاز وارداتی از روسیه، ترس ازخراب شدن قطارها و تأخیر در پرواز هواپیماها، ترس از ابرقدرت شدن چین، ترس از اسلام و حضور بیشتر و قویتر شدن مسلمانان، ترس از همراهی زیاد با آمریکا، ترس از پیوستن کامل به اتحادیه اروپا، ترس از بدتر شدن وضع اقتصادی، ترس از ناتوانی دولت در بهبود اوضاع سیاسی، در جامعه انگلیس به چشم می خورد و هر رسانه، حزب و سیاستمداری، به تناسب اعتقادات و تمایلات خود، بخشی یا بخش هایی از آن ها را منعکس می کند و شماری نیز متناسب با شرایط روزگار، مواردی را در زمان لازم، پر رنگ یا کم رنگ می سازند بی توجه به این که، این حالت روانی تثبیت شده و کم کم به ویژگی شخصیتی ملت انگلیس مبدل می شود.

وضعیت ناامنی در بریتانیا به گونه ای تشدید شد که دی ماه سال گذشته ، خانم جکی اسمیت، وزیر کشور آشکارا گفت جرأت نمی کند شب ها از منزل بیرون برود. دیلی تلگراف در بهمن ماه نوشت یک پنجم بزرگسالان، قربانی خشونت های نوجوانان و جوانان انگلیسی اند و افزود یک دهم کشته شدگان پارسال، کودک بوده اند که نشان می دهد خشونت های مرگبار علیه کودکان، افزایش یافته است. ناامنی به بیمارستان های انگلیس نیز سرایت کرد و به نوشته دیلی تلگراف، دزدی از بیماران در بیمارستان های انگلیس، امری عادی به حساب می آید. به نوشته گاردین در بهمن ماه، مشروب خواری کودکان و نوجوانان بریتانیایی، از کنترل خارج شده است.

جامعه بریتانیا پارسال همچنین از مشکلات اجتماعی دیگر همچون بالارفتن شمار بیکاران، افزایش طلاق و از هم گسستگی کانون خانواده، فقر برنامه های آموزشی، مشکلات بهداشتی در بیمارستان ها و درمانگاه ها، شلوغی زندان ها، افزایش فاصله فقیر و غنی، بالا رفتن شمار دانش آموزان بادار در مدارس، افزایش تعداد سقط جنین، رنج برد که نمونه هایی از آن ها در ادامه می آید:

در بهمن ماه گذشته، دکتر روان ویلیامز، مهمترین مقام مسیحی در انگلیس و سرآسقف کلیسای کانتربوری پیشنهاد کرد برای اصلاح شماری از رفتارهای غیر اجتماعی، از قبیل افزایش بی بند و باری های جنسی و افزایش طلاق، بعضی قوانین شریعت اسلام، در انگلیس اجرا شوند تا نهاد خانواده حفظ شود. بلافاصله پس از این پیشنهاد، روان ویلیامز مورد حمله و توهین گروه ها و سازمان های مخالف مسلمانان و دین قرار گرفت و آنان، این کشش انگلیسی را متهم ساختند که می خواهد شریعت اسلام را در انگلیس ترویج کند.

به نظر می رسد همچون گرم شدن کره زمین و در نتیجه جاری شدن فصلی سیل در بریتانیا، مردم این کشور باید به رفتارهای ضداجتماعی نیز عادت کنند- اگر تاکنون نکرده باشند- و تلاش کنند آن را به عنوان بخشی از زندگی روزمره - هر چند دردناک- بپذیرند و با آن، کنار بیایند. با گسترش فرهنگ مادی گرایی، فقدان نظام های اخلاقی و از هم گسیختگی ارکان خانواده، انتظار می رود این مشکل، در آینده حادتر شود.

حقوق بشر

پس از وقایع یازده سپتامبر در آمریکا و بمب گذاری های هفتم ژوئیه در لندن، نظام حاکم بر انگلیس، با استناد به جنگ با ترور و عادی نبودن شرایط در حالت جنگی، پاره ای از حقوق مردم، به ویژه اقلیت ها و مهاجران را محدود کرد. مثلاً، مقرراتی برای پایش نامه های پستی، نامه های الکترونیکی، مکالمات تلفنی و گفت و شنودهای معمولی تدوین و اجرا شد که به تدریج، دامنه نقض حقوق بشر به بیرون از انگلیس نیز کشیده شد و در کشورهایی از قبیل افغانستان و عراق نیز مردم از پیامدهای این اقدامات دولت انگلیس، بهره مند- و به عبارتی دردمند- شدند. پس از گذشت سال ها از اعلام جنگ با ترور توسط آمریکا و پیروی بی چون و چرای انگلیس از آن، استفاده سیاسی از خشونت و ترور، کارایی لازم را در جامعه انگلیس ندارد به ویژه که مردم این کشور به چشم خود می بینند وضعیت امنیتی به مراتب بدتر شده است. به همین علت، اعتراض به نقض حقوق بشر و منع آزادی های مدنی، رساتر از همیشه به گوش می رسد. به نمونه های زیر توجه فرمایید:

روزنامه های دیلی تلگراف و ایندیپندنت در سوم خرداد پارسال با انتشار گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل، از عملکرد دولت های انگلیس و اسرائیل به انتقاد پرداختند و نوشتند از نظر سازمان ملل، این دو دولت، از ناقضان حقوق بشر به شمار می روند. در بیست و چهار خرداد نیز رسانه های انگلیسی گزارش دادند زیر شکنجه نظامیان انگلیسی در عراق کشته شده بود، یک میلیون پوند خسارت بپردازد. گاردین در شهریور ماه نوشت سازمان های حقوق بشر از دولت انگلیس به علت تولید بمب های خوشه ای، انتقاد می کنند. در بهمن ماه روزنامه ایندیپندنت به نقل از پاول کندی، کمیسیونر دولت انگلیس نوشت در نه ماه سال دو هزار و هفت میلادی، دویست و پنجاه هزار تلفن، نامه و ایمیل توسط ششصد و پنجاه و سه سازمان دولتی در انگلیس، از جمله چهارصد و هفتاد و چهار شهرداری، پلیس، سازمان امنیت داخلی انگلیس موسوم به MI5 ، سازمان امنیت خارجی انگلیس موسوم به MI6 و ستاد مرکزی ارتباطات دولتی مشهور به جی سی اچ کیو کنترل شده است به گونه ای که اکنون انگلیس به کشوری پلیسی مبدل شده است و همه کنترل می شوند. ایندیپندنت در بهمن ماه نوشت با شدیدتر شدن شرایط مهاجرت توسط دولت گوردون براون، از این پس مهاجران، شهروند درجه دوم تلقی می شوند زیرا حقوق بشر مورد نظر اتحادیه اروپا درباره آنان اعمال نمی شود. روزنامه فایننشیال تایمز نوشت : تبعیض جنسی در انگلیس تداوم یافته است و زنان شاغل، به مراتب کمتر از مردان شاغل دستمزد می گیرند. روزنامه گاردین به نقل از گزارش کمیسیون برابری نژادها در انگلیس هشدار داد تبعیض ها علیه نژادها، اقلیت ها، جنس ها و ادیان در جامعه انگلیس نهادینه شده است.

در آذر ماه ایندیپندنت نوشت، مقامات و مسلمانان شهر برادفورد به برنامه های منفی بی بی سی درباره اسلام، اعتراض کردند و پرسیدند آیا بی بی سی به دست راست های افراطی افتاده است. در پائیز پارسال، گزارش های متعددی درباره نقض حقوق سیصد هزار سالخورده انگلیسی که در خانه های سالمندان زندگی می کنند منتشر شد.

در خرداد ماه سال گذشته، ملکه انگلیس با نادیده گرفتن احساسات بیش از یک میلیارد مسلمان، به سلمان رشدی لقب شوالیه داد و دیلی تلگراف نوشت مخالفت با این اقدام ناماسب، به هیأت دولت انگلیس نیز کشیده شد و شماری از اعضای هیأت دولت انگلیس معتقد بودند این اقدام در زمان مناسبی صورت نگرفت و ممکن است خشم مسلمانان را که اکنون نیز به علت جنگ های افغانستان و عراق شعله ور است، دامن بزند. به نوشته روزنامه گاردین، کسانی که علیه سازمان ملی بهداشت انگلیس شکایت کنند، مورد تبعیض قرار می گیرند.

سال ۱۳۸۶
هجری خورشیدی، برای دولت انگلیس با دردسر آغاز شد و با سر درد به پایان رسید. تحولاتی که در این سال رخ داد، به اندازه‌ای گوناگون و پرشمار بود که گویی مشکلات و حوادث چند سال را در یک سال فشرده و ارائه کرده باشند

حقوق بشر نیز از مواردی است که جوامع غربی- در این جا انگلیس- نگاهی دوگانه به آن دارند.

به علت مزایایی که سیاست دوگانه رعایت حقوق بشر برای نظام انگلیس دارد، این رفتار دوگانه قطعاً در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

سیاسی

پارسال سال تحول در رهبری دو حزب از سه حزب بزرگ انگلیس بود. در بیست و هفتم آذر ماه رهبر حزب لیبرال دموکرات تعیین شد که این تغییر، سومین تغییر در رهبری این حزب در دو سال است. اگرچه در انتخابات رهبری حزب لیبرال دموکرات، نیک کلگ برگزیده شد، اما به علت نزدیک بودن شمار آرای وی با نامزد دیگر، به نظر می رسد رهبر جدید در آینده با مشکلات مواجه خواهد شد. حزب لیبرال دموکرات، ۶۳ نماینده در مجلس انگلیس دارد و در سال های اخیر رشدی نداشته است. حزب کارگر نیز که در سه دوره متوالی توانسته بود در انتخابات سراسری پیروز شود، به علت فشار افکار عمومی و افزایش مخالفت ها با جنگ هایی که توئی بلر، نخست وزیر وقت، به پیروی از بوش وارد آن ها شده بود، ناچار شد رهبری خود را تغییر دهد و گوردون براون را که در دولت بلر، وزیر خزانه داری بود، جانشین بلر نامحبوب سازد. براون در هفتم تیر ماه، هیأت دولت را با شرکت بعضی از چهره های جدید تشکیل داد و تلاش کرد ضمن فاصله گرفتن از دولت بوش، جنگ عراق و افغانستان را به فراموشی بسپارد تا در انتخابات سراسری، حزب کارگر را صلح طلب و وفادار به افکار عمومی نمایش دهد و از میدان انتخابات، پیروز به در آورد. حزب محافظه کار انگلیس که با رهبری دیوید کامرون، رهبر جوان و جدید خود به موفقیت های نسبی در نظرسنجی ها رسیده است تلاش کرد در پی جلب آرای طبقه متوسط انگلیس و زنان این کشور باشد و با دادن قول هایی مبنی بر کاهش مالیات ها، کاهش شمار مهاجران و ضرورت همه پرسی درباره پیوستن انگلیس به اتحادیه اروپا، بر محبوبیت حزبش بیفزاید.

حزب محافظه کار انگلیس که بشدت هوادار آمریکاست، با پیوستن انگلیس به اتحادیه اروپا، به بهانه کاهش قدرت دولت ملی و پیشی گرفتن تصمیم های بروکسل بر لندن، مخالف است.

یکی از اولین موضوعات سیاسی پارسال برای دولت انگلیس، در همان روزهای آغاز سال رقم خورد و پانزده ملوان نیروی دریایی انگلیس که وارد آب های جمهوری اسلامی شده بودند، توسط نیروهای نظامی ایران بازداشت شدند. واکنش تکانشی دولت بلر و اظهارات مقامات دولت وی- که یادآور دوران امپراتوری بریتانیا بود- به اندازه ای نسنجیده و احساسی بود که حتی متحدان انگلیس نیز نتوانستند با این دولت و واکنش هایش همراه شوند. این ماجرا با آزاد شدن ملوانان بازداشتی توسط رئیس جمهور ایران پایان یافت اما نشان داد برخلاف تصور مقامات انگلیسی، در این قبیل مواقع نه شورای امنیت مایل به مداخله است و نه متحدان سنتی این کشور منافع خود را به خاطر ماجراجویی بلر و دولتش به خطر خواهند انداخت. باید اذعان کرد بیش از روش های سیاسی دولت ایران از قبیل مصاحبه با ملوانان، توضیح غیر دقیق بودن خط مرزی در این منطقه و درگیری با دولت های پیشین عراق به همین علت، رفتارهای احساسی دولت انگلیس از قبیل درخواست عجولانه از شورای امنیت برای دخالت، دادن اجازه فروش امتیاز نشر خاطرات به این ملوانان و سخیف شدن ماجرا و نیز تهدیدهای بی اساس موجب شد این ماجرا به نفع ایران پایان یابد و ناکامی سیاسی به نام دولت انگلیس ثبت شود. به نوشته تایمز، هفت ماه پس از تنها ماندن انگلیس در این ماجرا، ملوانان انگلیسی با اسکورت کشتی های آمریکایی، بی سر و صدا به خلیج فارس بازگشتند.

سال پیش را نمی توان سال خوبی برای روابط انگلیس و روسیه دانست. در پی مرگ مشکوک الکساندر لیتوینینکو، جاسوس انگلیس که قبلاً مأمور سازمان امنیت روسیه بود ، جنگ تبلیغاتی بین دو دولت به راه افتاد که اخراج چند نفر از کارکنان سفارتخانه های دو طرف، بخشی از آن بود.

با توجه به حساسیت دولت بوش به برنامه های هسته ای ایران، طبیعی است که این موضوع به حساسیت های دولت انگلیس نیز مبدل شود و در سال پیش، هر زمان دولت مستقل بوش تبلیغات خود را در این باره افزایش داد یا دگرگون کرد، دولت وابسته انگلیس نیز به تبعیت از آن، واکنش نشان داد و رسانه های افراطی انگلیس از قبیل شبکه تلویزیونی اسکای که تحت نفوذ صهیونیست های مسیحی است با همچون روزنامه دیلی تلگراف که ریشه در اسرائیل و آمریکا دارد و یا همچون روزنامه زرد سان، بسان شبکه های فاکس نیوز و واشنگتن پست عمل و همسان شعارهای دولت بوش را تکرار کردند. پس از آن که محمد البرادعی، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی تلویحاً خواستار ادامه فعالیت های محدود غنی سازی اورانیوم در ایران شد، دولت انگلیس نیز همچون دولت آمریکا، به وی تاخت. در همین حال، موقعیت دولت کارگری به علت برافروختن جنگ جنگ با شرکت آمریکا و نیز در پیش بودن انتخابات سراسری، به گونه ای نبود که این دولت بتواند در اواخر ماه های سال پیش، نقش راهبری در جنگ تبلیغاتی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را ادامه دهد به همین علت، پس از پنج دور میزبانی کشورهای مشهور به گروه ۵+۱ برای تشدید تحریم هایی علیه ایران، جلسه ششم از لندن به برلین منتقل شد و نیکولا سارکوزی، رئیس جمهور جدید فرانسه، وظیفه گرفتن و تقویت شعارهای بوش را علیه ایران، در اروپا برعهده گرفت و براون فرصت یافت به مشکلات داخلی بیشتر بپردازد.

کابوس افغانستان و عراق پارسال نیز گریبان انگلیس را رها نکرد و چشم انداز امیدوار کننده ای نیز فراهم نساخت. پارسال نیز حملات به نیروهای انگلیسی در افغانستان و عراق ادامه یافت و نظامیان انگلیسی، همچون سنوات پیشین، ربوده، مجروح و کشته شدند و هزینه های لشکرکشی ها نیز بیشتر و بیشتر شد و بر نفرت عراقی ها از انگلیس و انگلیسی افزود. در آذر ماه روزنامه دیلی تلگراف نوشت، نفرت از آمریکا و انگلیس، عامل اتحاد عراقی هاست. در بیست و پنجم آذر پارسال نیز به نوشته اینبندینت، انگلیس در برابر فشار چهار و نیم ساله نیروهای مقاومت سر خم و بصره را ترک کرد. روزنامه تایمز به نقل از وزیر دفاع آمریکا نوشت همچون حضور کشورهایی در ژاپن و آلمان، لازم است آمریکا پنجاه سال در عراق باقی بماند.

دیلی میل نوشت، طالبان به افغانستان بازگشته اند و اکنون بخش اعظم این کشور مجدداً در کنترل طالبان است.

اینبندینت در آذر ماه نوشت نیمی از افغانستان در کنترل طالبان است و گاردین به نقل از سفیر جدید انگلیس در افغانستان نوشت، انگلیس ممکن است ده ها سال در افغانستان باقی بماند.

یکی از مشکلات سیاسی دیگر انگلیس، بحث درباره روشه دادن شرکت های جنگ افزار سازی این کشور به شاهزادگان عربستان سعودی، به ویژه شاهزاده بن بندر، سفیر پیشین عربستان در آمریکا، بود که اولین بار توسط خبرنگار روزنامه گاردین افشا شد اما دادستان کل انگلیس که منصوب تونی بلر بود، در سال ۲۰۰۶ میلادی، تحقیق در این باره را متوقف کرد و دولت کارگری مدعی شد رسیدگی به این موضوع، علاوه بر به خطر انداختن روابط سیاسی با عربستان که متحد سنتی انگلیس به شمار می رود، ده ها هزار شغل را در صنایع هواپیما و جنگ افزار سازی انگلیس نابود می سازد. به گفته مخالفان حزب کارگر و مخالفان قساد اداری، بی توجهی دولت انگلیس به این رشوه گیری، حمایت آشکار از فساد و ارتشاست اما دولت انگلیس، با پیش کشیدن موضوعات مهم و در عین حال مبهمی از قبیل بحث امنیت ملی، اطلاعاتی که فقط در دست وزیران است و خطرمنافع ملی، راه را برای بررسی دقیق قضیه رشوه دهی صنایع جنگ افزار سازی و وزارت دفاع انگلیس به شاهزاده بندر بست.

مشکلات متعدد دولت انگلیس موجب شد حزب محافظه کار، رقیب اصلی حزب کارگر، محبوب تر جلوه کند و در بسیاری از نظرسنجی ها، آرای بیشتری به دست آورد. نتایج برگزاری انتخابات شهرداری ها در انگلیس، مجلس در آستانلند و مجمع ولز نشان داد محبوبیت حزب کارگر رو به نزول است.

گم شدن لوح های فشرده حاوی اطلاعات خصوصی و بانکی مردم یا اطلاعات حساس دولتی نیز در سال گذشته، به علت تکرار فراوان، به موضوعی عادی و روزمره مبدل شد. روزی گفته شد لوح های فشرده حاوی اطلاعات مربوط به ۴ هزار پرونده مربوط به مجرمان خطرناک و متجاوزان جنسی گم شده است و روزی دیگر، اطلاعات بهداشتی و درمانی شماری از بیماران مفقود شد. زمانی از گم شدن لوح های فشرده حاوی اطلاعات مربوط به ۲۵ میلیون نفر که کمک های دولتی دریافت می کنند صحبت شد و روزی دیگر گفته شد اطلاعات افرادی که درخواست گذرنامه، گواهینامه یا ثبت خودرو کرده اند، به سرقت رفته است. گم یا دزدیده شدن این حجم از اطلاعات، موجب شد در بیست و نهم آبان ماه، آلیستر دارلینگ، وزیر دارایی و گوردون براون، نخست وزیر در سی ام آبان ماه، در مجلس انگلیس از نمایندگان و مردم عذر بخواهند و متعهد شوند این گونه حوادث که به رسوایی «دیتا گیت» مشهور شده بود، تکرار نشود. در دی ماه روزنامه دیلی تلگراف نوشت از سپتامبر ۲۰۰۵ میلادی تاکنون، سه رایانه دستی وزارت دفاع انگلیس که حاوی اطلاعات محرمانه بوده، گم یا دزدیده شده اند و در مجموع، بیش از یک هزار رایانه دستی کارشناسان و کارکنان ارتش دولت در ۱۰ سال اخیر ناپدید شده اند.

اگرچه نداشتن یا اعلام نکردن سیاست، موجب انتقاد شماری از مخالفان گوردون براون شده است، شماری نیز معتقدند نداشتن سیاست، نوعی سیاست است زیرا از آنکار شدن نادرستی سیاست ها پیشگیری می کند. نداشتن رقیبی قدرتمند نیز از خوش اقبالی براون به حساب می آید زیرا آنچه از سیاست رقیب، برنامه قابل توجهی ارائه نمی دهند و بیشتر به خطاها و لغزش های حزب کارگر توجه می کنند. علاوه بر آن، حزب محافظه کار، رقیب اصلی حزب کارگر، در اغلب سیاست های چالشی حزب حاکم از قبیل حمله به افغانستان و عراق، حرکت دوشادوش با آمریکا، مخالفت با برنامه های هسته ای ایران، گسترش ناتو به مرزهای روسیه و استقرار سپر موشکی آمریکا در شرق اروپا، موافق با حزب کارگر بوده و محدوده مخالفت خود را تنگ کرده است. در همین حال، ارویاستیزی سنتی حزب محافظه کار و روابط دیرینه این حزب با احزاب راست آمریکا، چندان مطلوب رأی دهندگان انگلیسی نیست. احزاب لیبرال دموکرات، سبز و دیگر احزاب انگلیس نیز کمتر از آن قدرتمندند که بتوانند با حزب حاکم به رقابت برخیزند.

اقتصادی

در سال گذشته، تقریباً روزی بر مردم انگلیس نگذشت مگر آن که خبر اقتصادی ناگواری شنیدند و یا خواندند. بحران اعتباری که از آمریکا آغاز شده بود به سرعت اقیانوس اطلس را درنوردید و به انگلیس رسید و بانک ها و مؤسسات اعتباری را به کام خود فرو برد. در همان حال که خطر رکود اقتصادی، جهان را تهدید می کرد، تورم نیز افزایش یافته و قدرت مانور دولت را کاهش داد. مشکلات اقتصادی موجب شد ناکامی های دولت در مواردی همچون شفاف سازی اقدامات بانک ها، کنترل دقیق عملیات مالی، کاهش فقر و شمار فقیران و جلب اعتماد عمومی به توان مدیریت دولت، بیشتر آشکار شود. نمونه های زیر، بخشی از اخبار اقتصادی ناگوار در طول سال گذشته بود:

با انتشار آمار مربوط به ناتوانی بانک نورثرن راک، پنجمین بانک بزرگ انگلیس در ادامه فعالیت هایش، مشتریان این بانک در برابر شعبات این بانک صف کشیدند تا پس اندازهای خود را پس بگیرند و دولت براون ناچار شد این بانک را ملی اعلام کند تا مانع ورشکستگی آن شود.

پارسال، افت بهای مسکن که پیش از آغاز سال شروع شده بود، سرعت گرفت به گونه ای که روزنامه فایننشال تایمز در آذر نوشت احتمال می رود ارزش مسکن در انگلیس، مشابه سال های دهه ۱۹۹۰ ، سقوط کند و هشدار داد آینده اقتصادی انگلیس، تیره و تار است. با نزدیک شدن به ماه های پایانی سال، پیش بینی درباره رشد اقتصادی انگلیس کاهش یافت، بهای مواد غذایی، بیشتر از دیگر کشورهای اروپایی بالا رفت، اقساط وام های بانکی به گونه ای افزایش یافت که در ۵ سال گذشته، سابقه نداشت و در دی ماه پارسال، پیش بینی شد در سال آینده، بیکاری در انگلیس افزایش خواهد یافت و احتمالاً شمار بیکاران در سال آینده به یک میلیون و هشتصد هزار بیکار خواهد رسید. دیلی تلگراف در آذر ماه نوشت وضع فقر کودکان انگلیسی، همچون دهه ۷۰ است. به نوشته اینبندینت در دی ماه، افزایش ۲۰/۵ درصدی بنزین، ۸ درصدی مواد غذایی، ۵/۵ درصدی آب و گاز و ۱۳ درصدی برق، موجب افزایش فشارهای اقتصادی بر مردم شده و اعتماد مردم را به برنامه های اقتصادی دولت، از قبیل کاهش میزان بهره، از بین برده است. با این همه، به علت امکانات فراوان اقتصادی انگلیس و پنجمین قدرت برتر اقتصادی جهان، این کشور تاکنون با بعضی مانورهای اقتصادی توانسته است اموج مشکلات اقتصادی را پشت سر بگذارد و به علت همین امکانات و اقدامات، نوعی آرامش و ثبات در اقتصاد کشور ملاحظه می شود. سال هاست تورم، کمتر از ۳ درصد- در اغلب اوقات کمتر از ۲/۵ درصد- است، میزان بیکاری در حدود ۶ درصد است و انگلیس، هنوز مشغول سرمایه گذاری در دیگر کشورهاست.

منبع: واحد مرکزی خبر